

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

بررسی درون‌مایه‌های پایداری در اشعار مرتضی حیدری آل کثیر

سید قاسم علوی\*

حسین سلیمی\*\*

چکیده:

ادبیات پایداری ندای آشکار ملت‌هایی است که روح آزادی‌خواهی را فریاد می‌کشند. این گونه ادبی قدمتی به درازای آفرینش انسان دارد. روحیه آزادی و آزادی‌خواهی یکی از مفاهیمی است که هر انسانی برای آن احترام قائل است، تا اوج فداکاری از حریم آن پاسداری می‌کند و هرگاه قدرتی در پی آن باشد که این موهبت الهی را از او بازستاند، در برابر او ایستادگی نموده، آن را به قیمت جان پاس خواهد داشت. یکی از شاخص‌ترین مضامین شعر پایداری است که به‌طور بارزی حس وطن‌دوستی شاعر را نمایان ساخته، ستایش آزادی‌خواهان و کسانی است که در راه آزادی دست به مبارزه زده‌اند.

مرتضی حیدری آل کثیر از شاعران جوان خوزستانی است که به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سراید. این پژوهش که با روش توصیفی – تحلیلی انجام شده است نشان می‌دهد که آشنایی او با شاعران مقاومت در جهان عرب و علاقه به مسائل جهان اسلام باعث شده است تا مضامین و درون‌مایه‌های پایداری در اشعار او نمود زیادی پیدا کند. مبارزه با طاغوت‌های زمان، وطن‌دوستی و قیام در برابر دشمن تجاوزگر از مضامین بارز اشعار اوست.

**کلمات کلیدی:** ادبیات مقاومت، پایداری، مرتضی آل کثیر.

\* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد ادبیات پایداری. دانشگاه خلیج فارس.

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه خلیج فارس.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## ۱. مقدمه

انسان از ابتدای آفرینش کوشش نموده است که حالات و روحیات درونی خود را در قالب نظم و نثر به زبان بیاورد و با اختراع خط آن را به نوشتار تبدیل کند. بدین صورت ادبیات شکل گرفت و متون آن از نسلی به نسل دیگر منتقل شد. ادبیات دربرگیرنده احساسات، تخیل‌ها و آرزوهای درونی انسان‌هاست که بر زبان جاری می‌شود. ادبیات زبان معمول را دگرگون می‌کند، آن را قوت می‌دهد و آن را از یک گفتار ساده روزمره به اثری مؤثر و ماندگار تبدیل می‌نماید. ادبیات ملت‌ها در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است. آموشد حکومت‌ها و آزادی و یا ستم آنان باعث شکل‌گیری انواع ادبی متفاوتی شده است. ادبیات فارسی با قدمتی به طول تاریخ این سرزمین و تحت تأثیر سلطه حکومت‌های گوناگون، شاهد خلق آثار ادبی متفاوت در زمینه ادبیات غنائی، حماسی، عرفانی و ... بوده است. در ادبیات فارسی و نیز از دوران کهن، آثار ادبی که دربردارنده نوعی ادبیات مقاومت باشد وجود داشته است.

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شهریور ۵۹ و ایستادگی همه‌سویه ملت در برابر این تهاجم، ادبیات مقاومت وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره، نویسندگان و شعرای باتجربه و جوانی در کنار رزمندگان و مردم جامعه با بیان رشادت‌ها، از خودگذشتگی‌ها و مشقت‌های ناشی از جنگ، به خلق آثار ماندگاری در این زمینه پرداختند.

مرتضی حیدری آل کثیر متولد ۱۳۶۲ ه.ش (۱۹۸۴ م) در شهر حو از توابع شوش دانیال دارای مدرک کارشناسی ارشد ادبیات فارسی شاعر و مترجم اشعار عربی است که به دو زبان فارسی و عربی شعر گفته و دارای آثاری همچون؛ «سرفه خونین تفنگی در باد»، «خورشید در عبای تو پیچیده است»، «پایتخت جهان و دیر آمدی بهار» است. آل کثیر به‌عنوان شاعری جوان و بزرگ‌شده در سرزمینی که به چشم شاهد مصائب جنگ بوده‌است اشعار فراوانی با بن‌مایه‌ها و مفاهیم ادبیات پایداری سروده‌است.

## ۱-۱- بیان مسئله

پس پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شعرای جوان زیادی مجال رشد و پرورش را یافته‌اند. حوادث بعد انقلاب اسلامی در داخل کشور همانند جنگ تحمیلی، توطئه‌های استکبار جهانی، تحریم و ... روحیه مقاومت و ایستادگی را در دل همه اقشار جامعه تقویت کرد که شعرا نیز مستثنا از این قاعده نبودند. از طرفی، وظیفه جهانی انقلاب اسلامی در

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

حمایت از ملت‌های ستم دیده همچون فلسطین باعث گردید این شاعران جوان در سروده‌های خود از این موضوع مهم غافل نشوند.

مرتضی حیدری آل کثیر، جوان انقلابی و برآمده از سرزمینی است که طعم تلخ جنگ تحمیلی را بیشتر از دیگر نقاط کشور چشیده بود. حیدری وقتی به سن جوانی رسید هنوز خرابه‌های جنگ در خوزستان پابرجا بود. داستان ایثار و مقاومت مردم این استان و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس ورد زبان‌ها بود. او نیز مانند شاعران بزرگی همچون؛ قیصر امین پور و سید حسن حسینی، جذب ادبیات جنگ و پایداری شد. حیدری در یک خانواده عرب به دنیا آمده بود و به زبان عربی صحبت می‌کرد. این امر باعث شد با شعر شاعران عرب در حوزه مقاومت در عراق، سوریه و فلسطین آشنا شود. تحت تأثیر اشعار آنان که پیشگامان ادبیات مقاومت در مقابله با رژیم صهیونیستی بودند، به مسئله فلسطین علاقه‌مند شد و در کنار موضوعات داخلی، از مسئله فلسطین و قدس نیز غافل نشد. مرتضی حیدری آل کثیر، از جمله شاعران جوان خوزستانی است که در سال‌های اخیر در حوزه مقاومت آثار متعددی را منتشر کرده است. ورود او به حوزه ترانه و خوانش بعضی از سروده‌ها به‌ویژه اشعار عربی او سبب شده تا مخاطبان بیشتری با کارهای او آشنا شوند.

او علاوه بر شعر، در حوزه ترجمه نیز دستی دارد و تاکنون آثاری از صالح هواری، احمد مطر، عبدالوهاب البیاتی و... را به فارسی برگردانده است. تازه‌ترین کتاب او با عنوان «سنگ بر طاغوت» نام دارد. حیدری آل کثیر در این اثر به سه محور مقاومت شامل فلسطین، یمن و سوریه پرداخته و این سه محور را در یک راستا می‌داند. کتاب «سنگ بر طاغوت»، مجموعه‌ای از سروده‌هایی است در حوزه مقاومت اسلامی است. در این اثر سروده‌هایی از سال ۸۳ تاکنون گردآوری و تدوین شده است؛ سروده‌ها در حال و هوای جبهه مقاومت در سه محور سوریه، یمن و فلسطین است که در قالب‌های مختلف از نیمایی و سپید گرفته تا قالب‌های کلاسیک مانند غزل را شامل می‌شود. عنوان این اثر جمله‌ای نمادین و کنایه‌ای است. سنگ، نماد جنگ و انتفاضه فلسطینی است، هر سنگی که به سمت اسرائیل پرتاب می‌شود، نمادی از همان شعار مرگ بر طاغوت است.

در این پژوهش کوشش می‌شود با شناسایی بن‌مایه‌های پایداری در اشعار مرتضی حیدری آل کثیر به تحلیل و بررسی محتوایی آنها پرداخته شود.

## ۱-۲- ضرورت پژوهش

تاکنون در زمینه بررسی اشعار مرتضی حیدری آل کثیر به‌عنوان یک شاعر متعهد، پژوهش مستقلی انجام نشده است، به همین دلیل، ضروری به نظر می‌رسد جهت بررسی و تحلیل اشعار ایشان پژوهشی صورت پذیرد. به عبارتی؛ از آنجایی که مرتضی حیدری آل کثیر هنر شاعری خود را در خدمت ترسیم بیدادگری‌های مهاجمان و اشغالگران به سرزمین خود و وسیله مبارزه با استبداد بیرونی و استثمار قرار داده است و نیز از آنجایی که سروده‌های او از نظر زبان شعری و ظرفیت‌های ادبی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

قابل توجه و بررسی است، ضرورت می‌نماید که در باب عناصر اصلی بن‌مایه‌های شعر این شاعر، پژوهشی مستقل صورت گیرد. بی‌تردید انجام این گونه پژوهش‌ها هم می‌تواند به شناخت نقش این شاعران در رشد و بالندگی ادبیات پایداری منجر شود و هم راهی به شناخت اندیشه‌های جاری در سروده‌های آن‌ها باز نماید.

## ۱-۳- روش پژوهش

روش پژوهش به شیوه توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای است.

## ۱-۴- پیشینه پژوهش

پس از جستجو و تحقیق در کتاب‌ها، نامه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی، درباره مرتضی حیدری آل کثیر، در مورد بررسی و نقد اشعار ایشان پایان‌نامه یا مقاله‌ای مستقل اعم؛ از پژوهشی یا همایشی یافت نشد. تنها در مقاله‌ای تحت عنوان «مفاهیم، نمادها و تلمیحات مشترک در اشعار شاعران انقلاب اسلامی با موضوع فلسطین» نوشته محمد مرادی (ویژه‌نامه فرهنگستان، دوره دوم زمستان ۱۳۹۵: شماره ۱) به چند نمونه از اشعار ایشان استناد شده است.

## ۲- بحث

### ۱-۲- بن‌مایه‌های پایداری در آثار مرتضی حیدری آل کثیر

#### ۲-۲- وطن‌دوستی

وطن از عناوینی است که نزد همه انسان‌ها و نیز در ادیان آسمانی و بخصوص، دین مقدس اسلام مورد توجه بوده و از قداست و احترام ویژه‌ای برخوردار است و در آموزه‌های دینی به محبت و مهرورزی نسبت به آن سفارش فراوان شده است. عشق به وطن، میلی طبیعی است که خداوند در بین مخلوقاتش قرار داده است به گونه‌ای که حتی حیوانات نیز به محل زندگی خود گرایش غریزی دارند.

یکی از مؤلفه‌های مورد توجه در ادبیات پایداری، عشق و احترام به سرزمین بوده است و اصولاً بیشتر جنگ‌ها حفظ سرزمین در برابر تجاوزها و عدم تسلیم در برابر خواسته بیگانه است. از آنجاکه ایران و فلسطین، در طول تاریخ خود، همواره با حوادث فراوانی، دست‌به‌گریبان بوده‌اند، لذا ادبیات پایداری در این دو سرزمین، به شکلی بسیار برجسته رواج یافته است. بیان شاعرانه حس وطن‌دوستی، مبارزه علیه استبداد و استعمار و فداکاری در راه وطن، از ویژگی‌های بارز این گونه ادبی بوده که در شعر پایداری این دو سرزمین، بازتابی گسترده داشته است. حیدری، در شعر زیر، عشق خود به خوزستان و کارون را که نماد مقاومت در برابر تهاجم نیروهای بعثی است بیان می‌کند و ابهت و غیرت خود را در عظمت و جوش و خروش کارون می‌بیند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

دیگر از آن‌همه اندیشه پروازی‌مان نیست، غیر از دو سه تا چلچله همبازی‌مان

ابر، همسایه این باغچه خواهد شد اگر به تبر برنخورد حُسن سرافرازی‌مان

شب سردی است، کسی فکر ده پایین نیست مگر ای عشق! تو با شعله بی‌غازیمان

گرچه صد بادیه از اسب هوس افتادیم کاش ای وسوسه از اصل نیندازیمان

کشتزار عطش و لاله و تاقیم از بس ابر گریان شده بر خاطر ناراضی‌مان

گفتم از عشق بگویم عطش اما نگذاشت مده ای شعر! در این فاصله‌ها بازی‌مان

غیرت ماست که در سینه کارون جاری است وای اگر خشک شود این رگِ اهوای‌مان

شب یلداست، به گیسوی غزل چنگ بزن! غزلی بازکن از حافظ شیرازی‌مان  
(حیدری آل کثیر: ۱۳۸۸، ۲۳)

حیدری در غزل «تو نبض التهاب نیاکان کیستی؟» که آن را برای خاک مقدس خوزستان سروده است، از سختی‌هایی که دامن گیر سرزمین مادری خود و کارون شده است سخن می‌گوید. این غزل، سوگواره‌ای است که درد کارون و خوزستان را بیان می‌کند:

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

برقی نمانده خــــاک تو را زیرورو کند بهتر که خوشه‌های تو را سنگ، رو کند

نبضت به خواب‌رفته مگر ابر این بهار انگشت را به دیده کــــارون فروکند

هر پنج‌شنبه پیــــش تو بارانــــی‌ام ولی این ابر را رهــــا بکنی، های و هــــو کند

شبم برای شــــستن داغ تو کافی است باید که صبح، لمس تنت را وضو کند

تو نبــــض التهــــاب نیاکان کیستی؟ تا باد دوره‌گرد تو را جــــستــــجو کند

برقی نمانده صاعقه‌ای دردمند نیست بهتر که خوشه‌ها به یک سنگ خو کند  
(حیدری آل کثیر: ۱۳۸۶، ۳۲)

حیدری با نمادهایی همچون؛ برق، نبض به خواب‌رفته و استعاره‌ای همچون انگشت به دیده کردن، از زجرها و مشقاتی که خوزستان پس از جنگ تحمیلی گرفتار آن شده است و کارونی آن در حال خشک شدن است، سخن گفته و نیاز به یک برق آسمانی برای وارد کردن شُک به اوست یا مانند فرد خوابی که با فرو کردن انگشت به چشمانش او را از خوابی که در آن فرورفته بیدار کرد. او با این تعبیر از درد خوزستان در زمان جنگ و بعد از آن سخن گفته است. داستان فلسطین با ادبیات پایداری پس از انقلاب اسلامی گره‌خورده است. حیدری در شعر «صلح کبوتر» که برای فلسطین و با زبان حال او سرده است از قدمت، دغدغه و مقاومت این سرزمین گفته است:

برای تسلیتم، توده پر آمدورفت به خواب سرخ من آن شب، کبوتر آمد و رفت

به من شرایط پرواز را نشان دادند دو بالم از بدنم مضطرب در آمد و رفت

همین که برگ بيفتد زمين، معاد من است خزان نبود مرا، روز محشر آمد و رفت



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

شاعر در حین اعتراض به قانون جنگل، به تفنگ و مقوله شکار و کشتار معترض است که به بی‌نظمی‌های جهان دامن می‌زند. شاعر در پی صلح است؛ آرامش و تعادلی که مخاطب را به یاد جهاد و سازندگی‌های پس از جنگ می‌اندازد که می‌بایست دست در دست یکدیگر بنهند و طرحی نو دراندازند و به بازسازی شهرها بنشینند که البته چنین امری در چندساله اخیر به نحوی که شایسته است روی نداده است. در نهایت، در این مجموعه که نخستین تجربه شاعرش نیز به شمار می‌رود، اثرات و برکات فرهنگ ایثار و شهادت ادامه می‌یابد و عاملی برای واکنش کردن نسل امروز در مقابل انحراف‌های زندگی می‌شود و از سویی دیگر؛ تعریف شاعرانه از مجاهدت و دفاع از مقدسات را پیش چشم مخاطب می‌گذارد که به عنوان نهایی‌ترین محبت‌ها که لازمه آن از خودگذشتگی است، تجلی‌یافته و چون هدف، ارضای‌گریزه نیست، تا نهایت عمر آدم‌ها دوام و قوام خواهد یافت.

## ۲-۳- اختناق و نبود آزادی

انسان آزاد آفریده شده است و از سلطه بیزار است و در برابر اختناق و محدود شدن واکنش نشان می‌دهد. ادبیات مقاومت و پایداری، واکنش طبیعی و ذاتی انسان در برابر نیروهایی است که او را به چالش می‌کشند. حیدری نیز در این اشعار، همچون غزل زیر از مبارزان می‌خواهد که نفسی دوباره تازه کرده، همچون ستاره درخشان در آسمان اختناق، جلودار آزادی خواهان باشد:

اجاق خسته نفس را، دوباره روشن کن برای هیزم دنیا شراره روشن کن

برای این‌همه لب‌تشنه، بوسه شعله بزن برای گمشدگان ستاره روشن کن

وضو بگیـــــرو تکلیف آسمان‌ها را پس از گرفتن یک استخاره روشن کن

هنوز بال تو را «عشق» می‌زنند صدا اگرچه سوخته آن را دوباره روشن کن

بیا معاصر این شاعران شب زده باش هزار چهره بخند استعاره روشن کن



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

هزار غمکده خاموش کن به یک لبخند هزار میکده با یک اشاره روشن کن

سراب و آتش و آینه در کنار هم اند برای دیدنشان ماهواره روشن کن  
(حیدری آل کثیر، ۱۳۹۳: ۱۷)

همچنین در شعر ذیل، مرتضی حیدری آل کثیر به نقد اختناق و نبود آزادی پرداخته است و صلابت و ایستادگی را  
به رویش برگ‌های سبز بر روی درختان خشک می‌داند:

هرکجا باران گلی از خاک برمی‌آورد باد، صبح چیدنش را در نظر می‌آورد

فقر جای ناامیدی نیست وقتی گورکن روزی‌اش را از دهان مرگ درمی‌آورد

کرم بین پيله‌اش سر در نمی‌آرد که چیست آخرش اما سر از پرواز درمی‌آورد

ایستاده روی حرف جاده چون کوه و کمر این درخت مرده آخر برگ و برمی‌آورد

بشکندم با خود ای شب‌ها که بختم سال‌هاست روی دوشم برگ‌ها را با تبر می‌آورد

آن قدر می‌ایستم تا مرگ را راضی کنم انتظار عاشقان را تیغ، سر می‌آورد  
(هما ن: ۲۹)

همچنین او در شعر ذیل به ترسیم اختناق و نبود آزادی پرداخته است:

يَشْهَدُ اللهُ يَا أَهْلَ الْوَفَاءِ / أَنْتُمْ أَحْيَاءُ فِي ظِلِّ الْإِبَاءِ / حِينَ سِرْتُمْ شَوْقًا لِلْبَلَاءِ / قَدْ رَسَمْتُمْ دَرْبَ الْإِيمَانِ / فُزْتُمْ يَا حِزْبَ الْقُرْآنِ /  
بِالْجَنَانِ عِنْدَ الرَّحْمَنِ / ذَا شِعَارِ الْأَحْرَارِ: حَيْدَرُ يَا كَرَّارِ / يَا عِمَادُ دَوْمًا فِي الْفُؤَادِ / طَابَ مَثَوَاكُ يَا رَمَزَ الْجِهَادِ / بِاسْمِكَ الْكُونُ مَا /  
زَالِ يُنَادِي / هَكَذَا صَوْتُ فِي الْأَفَاقِ / قَدْ تَعَلَّى نَحْوَ الْخَلْقِ / كَرْبَلَائِي وَهُوَ بَاقِي / ذَا شِعَارِ الْأَحْرَارِ: حَيْدَرُ يَا كَرَّارِ / هَا تَجَلَّتْ شَمْسُ /  
ذَا شِعَارِ الْأَحْرَارِ: حَيْدَرُ يَا كَرَّارِ

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

(حیدری آل کثیر، ۱۳۸۶: ۶۵)

## ترجمه:

ای اهل وفا خدا گواهی می‌دهد/ شما در سایه تسلیم‌ناپذیری زنده هستید/ هنگامی که با شوق به‌سوی بلا رفتید/ راه ایمان را  
رسم کردید/ ای حزب قرآن شما رستگار شدید/ در بهشت، نزد خدای رحمان هستید/ این شعار آزادگان است؛ ای حیدر ای  
کرار/ ای عماد مغنیه؛ تو همیشه در قلب ما هستی/ ای رمز جهاد؛ جایگاه تو نیکو است/ عالم پیوسته نام تو را صدا می‌زند/ با  
صدایی که در سراسر آفاق می‌پیچد/ که او به آرامی به‌سوی خدا پرواز کرد/ او کربلایی است و او باقی است/ این شعار  
آزادگان است؛ ای حیدر ای کرار/ خورشید یقین تجلی کرده است/ خورشید طه، خورشید حق مبین/ و در گلوی حسین  
علیه‌السلام درخشنده شد/ این صدای گلویی است که ما را صدا می‌زند/ و دائماً در دنیای ما بلند می‌شود/ محبت حسین  
علیه‌السلام ذخیره آخرت ما است/ این شعار آزادگان است؛ ای حیدر ای کرار.

در این اشعار نیز بسامد واژگانی مانند شکست‌ناپذیری، عماد مغنیه، امام حسین (ع) و ... بالا است. توجه به مسائل  
انسانی نیز دیگر نکته‌ای است که در بخشی از سروده‌ها به چشم می‌آید.

با نگاهی به واژگان و مضامین به‌کاربرده شده در ساخت اشعار سروده شده، شاهد هستیم که دایره واژگان به‌کاررفته  
در این اشعار، تابع کلماتی است که امید را منتقل می‌کند. هرچند عباراتی هم در جهت نشان دادن تیرگی رژیم صهیونیستی  
در اشعار دیده می‌شود تا خواننده را در حال و هوای اشعار قرار دهد: پنجره، شب، روز، نور، برخاستن، بانگ زدن، خشم،  
خون و زیتون.

## ۴-۲- امید به آینده روشن

هر شاعری آینه‌ای است که سعی می‌کند امید را در چهره افراد جامعه خود منعکس کند و با شعر خود آن‌ها را به  
داشتن آینده‌ای روشن امیدوار سازد. حیدری در اشعار خود سعی دارد در کنار سختی‌های حاصل از جنگ، بذر امید را در  
دل جامعه بکارد و موجب دلگرمی آنان شود.

آل کثیر در شعر زیر در کنار توصیف درد و رنج مردم یمن که گرفتار جهل بنی‌امیه دوران \_آل سعود\_ شده‌اند، آنان را به  
فال داشتن دل‌های گشاده به آینده امید می‌دهد:

افتاده نبض داس، به دسست حرامیان تا باغ را بسوزد و بردارد از میان

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

از گور خویش پا شده افتاده است باز    جهل بنی امیه به جان امامیان

طوفان خاک بر سر جرّمی که آمده ست    حمله کند به چلچله با خیلِ حامیان

بذری یهودیانه و کشتی سعودی است    کشتار وحشیانه غیرنظامیان

زخمی است قلب کودک این خاک و می‌وزد    بر سینه‌اش... لهیب خدنگِ جذامیان

دردا که در تــــــدارک صــــــد ابن ملجم اند    تشنه به خون شیعه حیدر- قتامیان

اما یمن به یمن دلی که گشاده است    بی چتر زیر بارش مرگ ایستاده است  
(حیدری آل کثیر، ۱۳۸۸: ۹۲)

یکی دیگر از جلوه‌های امید در شعر شاعران، امید به بازگشت رزمندگان به خانه و کاشانه خود است. شاعر با نگاهی تغزلی به مقوله انتظار از دریچه ذهن یک فرزند به دفاع مقدس می‌نگرد که پدر در جبهه جنگ مفقودالثر شده و فرزند- پسر-، آرزوی بازگشت او را دارد یا اکنون که انتظار طولانی شده است، پیوستن به پدر را با به جان خریدن همه خطرها در سر می‌پرورد. نکته قابل توجه در اینجا است که واژه پدر در این شعر، همانند معلم، راهنما و یا مرشدی مذهبی است که:

برای لحظه‌ای باید زمان هم طور، طور دیگر باشد    اگر یک‌بار آواز تو در آن‌سوی در باشد

نسیمی در به در از کوچه‌مان رد می‌شد اما من    به شوق تو گشودم در گفتم این شاید پدر باشد

تمام عمر بر سجاده سمت آسمان‌ها بود    کسی می‌گفت: شاید دست‌هایت بال‌وپر باشد

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

خدا تا ناله‌هایت را شنید از آستان شب به خود گفت این صدا خوب است، باقی الاثر باشد

تو هم آخر به باران‌های بعد از برق پیوستی و لابد خواستی خاک از حضورت بی‌خبر باشد

پری در باد! هر شب خواب‌هایم را می‌آشوبد وصیت‌نامه‌ات شاید همین یک‌دانه پر باشد

به دنبال تو آن‌سوی خواب گریه خواهم رفت به شرطی که تمام راه‌ها «راه خطر» باشد  
(حیدری آل کثیر، ۱۳۸۶: ۷۸)

آن‌طور که از حال و هوای قلم شاعر برمی‌آید، گویا شاهد فضایی روحانی و رؤیایی است که آرمان‌خواهی شاعر، او را وامی‌دارد تمام خطرهای و ناملازمات را به جان بپذیرد و به‌سوی مقصود گام بردارد. این غزل علاوه بر تصویرسازی قوی و فضاسازی موفق، از درون‌مایه‌ای داستانی برخوردار شده است که راوی در جست‌وجوی پدر، درمی‌گشاید تا نسیم حضورش را آن‌گونه که حس می‌کند، به تصویر بکشد. ابیات غزل، هر یک از حسی تازه برخوردار شده‌اند، حسی که نفس حرکت راوی را اجرا می‌کنند؛ آن‌هم در تقابل با سکون و سکوت.

اشعار این مجموعه هر یک، علاوه برداشتن فضایی متأثر از دفاع مقدس، دغدغه‌های امروز شاعر را نیز منعکس می‌سازند. حساسیت روح و نگاه حساس و ظریف شاعر در تحلیل و تفسیر رویدادها و وقایع اطرافانش را می‌توان از مؤلفه‌های درخشان مجموعه به شمار آورد که به‌گونه‌ای قابل‌توجه در شعر «آنجا که منهدم شده رفتار پنجره» مشهود است: شعر برای فلسطین و مردم ستمدیده‌اش سروده شده که توصیفات تأثیرگذارش، ریشه در حس عمیق انسانی و لطیف شاعر دارد:

وقتی که مادران جوان را کشان‌کشان، پژمرده از مراسم تدفین می‌آورند

جت‌های باردار برای بهار تو، نوزادهای سوخته پایین می‌آورند

پاییز بر حصار تنّت می‌خکوب شد، از چارچوب حادثه بیرون نمی‌رود

انجیرها که میوه‌دستانشان دعاست، پاییز را شکوفه «آمین» می‌آورند

آنجا که منهدم شد رفتار پنجره، دیوارها جستارشان بی‌دلیل نیست

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

خورشی را صدا بزن! اینجا ستاره‌ها شب را سوار تله کابین می آورند  
انجیرها برای توکل می زنند و بعد، معمارهای خسته هتل می زنند و بعد  
فریاد نخ‌نمای عنکبوت‌ها، از حلق «الخلیل» به «تشرین» می آورند  
حبسیه‌های منجمد را به من بگو، وقتی برای دیدن «گنجشک و ماه» نیست  
شیران پیشکسوتی از ترس شعله‌ها، روباه‌سان پناه به پرچین می آورند  
می‌بینمت شبی را که فراموش می کنی، یک روز شانه‌های تو در بند بوده است  
آنگاه، ابرهای در آغوش شب رها، فریادهای سوخته پایین می آورند  
(حیدری آل کثیر، ۱۳۸۶: ۱۷)

در همین بیت اول، زاویه دید راوی که از وسعتی گسترده برخوردار است جلب توجه می کند که توانسته از آسمان و افتادن بمب‌ها، به تصویر نوزادهای سوخته‌ای برسد که پس از انهدام در دست‌های مادرانشان خفته‌اند. از این دست تصاویر که در کلیت این شعر و باقی اشعار مجموعه فراوان است؛ داستان شاعر را هر چه بیشتر برای روایت‌ها و دل‌گویه‌هایش باز می‌گذارد و از طرفی، حس هم ذات‌پنداری‌ای را به مخاطب منتقل می‌کند که حاصل آن، خلق ایماژهای ظریف و زیبایی می‌شود:

بخوان در آستانه خراب / روی دست سجده / آن زمان که خواب / طفل خسته‌ای ست / که با نوک شکسته مددش  
آه می‌نویسد آه... / بخوان برای زنده‌ها، برای مرده‌ها / که آب می‌روند روی راه / و جاده را محک نمی‌زنند / و بار نام را / و  
نام مرگبار خویش را / به گور می‌برند و خاک می‌خورند / بخوان / اگر نشد به گوش نخل‌ها، به گوش چاه / بلند می‌شود زمین  
و / خیره‌خیره پشت می‌کند به تکیه‌گاه / بخوان در آستانه فشنگ و سیب / درست لحظه‌ای که مرگ / روی میز می‌نشیند و / در  
انتظار صبح، قهوه میل می‌کند / و خادمی که پشت پیشخوان عمر / بانگ می‌زند: هلا بشر! / بوس دست قاتلان خویش را / که  
خون برای قلب مرد / خون‌بهاست / مسافران محترم / بهار / ایستگاه بعدی شماس / ... بخوان / در آن شبی که / بال آتشین یک  
فرشته / لحظه نشور را / به هیئت فرود موشکی / به گوش آسمان تیره / سوت می‌کشد / بخوان برای کودک / که با عروسکش  
به جنگ آمده ست / و زنده بازگشته است و / تلخ / بین کفتران مرده می‌نشیند و / به گریه آب و دانه می‌دهد / بخوان بخوان / تو  
آن سکوت زنده‌ای / که در خرابه‌های شهر / سال کهنه جدید را / کنار سفره می‌نشانی و چقدر دست می‌تکانی / و چقدر ما...

(حیدری آل کثیر، ۱۳۹۳: ۷۳)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

اشعارش از روحی پر آشوب و پرغوغا برخوردارند و قلمش قاطع و مسلط. سعی دارد، تمام حس درونی و احساساتش را از جنگ، اثراتش، خاطرات و یادگارشان به نمایش بگذارد که هم‌اکنون در جای‌جای فضای زندگی ذهنی و عینی شاعر در حال زیستند. او انگیزه‌های فراوانی را روایت کرده است که شعرش را برمی‌انگیزند مانند جانبازان شیمیایی و شهری کوچک که در آن به دنیا آمده با چهل شهید جاویدان:

مرد بود و افقــــــــــــی خیره به تصنیف دو بالش که بینند مـــــــــــــــــــــلائیك تم بازیگری اش را

ناگهان پیرهن شعـله به تن کرد و به هم زد آسمان را و صف ممتد حـور و پریاش را

اینک از آن سفر سرخ به خاک آمده شاید به کسی شرح دهــد قصه نابوری اش را

به زنی آن‌سوی آوازه‌گمنام مزارى که ادا کرده به تصویری از او هم‌سری‌اش را

به همان مادر بیـــــــــــــــــدار که با دست نجیفی      شانه غم‌زده گیسوی بلند و زری‌اش را

دخترش هم به امیدي که پدر باز يابد آب مي داد در آيينه گل روسري اش را

مرد، پلکی زد و برگشت، به آغاز ره‌یابی رفت و انداخت به مـادر نظر آخری‌اش را

(حیدری آل کثیر، ۱۳۹۶: ۳۱)

شاعر باهم ذات پنداری ها و وحدت عاشقانه اش با آوای معصومانه و پاک شاهدان عشق و ایثار، شعر خود را مزین ساخته است. همان طور که کتابش را به شهیدی مفقودالثر تقدیم کرده است؛ فضای پویا و بارقه های مَنور شهادت را که حاکی از حضور همیشگی ارواح پرفتوح شهدای جنگ تحمیلی است، در خطه جنوب نشان می دهد و تأثیر و تأثرات عمیق ذهنی و روحی اش را در طلیعه آفتاب و شهادت، در راه آرمان های انسانی و مذهبی اش بیان می کند.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## ۲-۵- یاد مبارزان

گاه افراد در جبهه جنگ رودررو با دشمن حضور دارند، ولی گاه افراد مبارز دیگری هستند که به شیوه خود مانند شعر، موسیقی یا داستان، مبارزه خود را علنی می‌سازند. مرتضی حیدری در بعضی از اشعار خود از این شخصیت‌ها یاد کرده یا برای آنان شعر سروده است. در شعر «درد» که در قالب نیمایی سروده شده است، حیدری آن را به قیصر امین پور تقدیم می‌کند که از شاعران بنام معاصر است و در صف مبارزان، اشعار فراوانی در زمینه ادبیات پایداری دارد:

درد! میوه‌ای ست / در دهان کودکی که دوست داشت / سیب را / به خانه‌اش بیاورد / درد! عاشقانه‌ای ست / در نگاه شاعری / که دوست داشت / یار را / به آشیانه‌اش بیاورد / من به درد زنده‌ام / تو به درد زنده‌ای / با همین سه حرف / با همین سه بال واژگون پرنده‌ام / باله‌های من / برای موج / شانه‌های تو / برای اوج / درد می‌کشند! / درد می‌کشند! (حیدری آل کثیر: ۱۳۸۳، ۲۷۴)

حیدری در کنار پرداختن به مسئله فلسطین، شعرای مبارز آن را فراموش نکرده است. محمود درویش شاعر بزرگ فلسطینی که در سال‌های تبعید و آوارگی همیشه برای قدس شعر گفته و برای آزادی مردم مظلوم فلسطین با قلم خود مبارز کرد، شخصیتی است که حیدری شعر زیر را برای او سروده است:

اصلاً مهم نبود / از چند زاویه / باران از انتظار سخن گفت / یا چند لحظه پیش / اندیشه کدام تولد / در خلوت خیالی‌اش آشفت؟ / مردی نشسته همدم باران / با دست‌های پیر و غبارآلود / یکدست روی خاک / دستی دگر به گردن زندان / باران با دست‌های خیسش / با آن دریچه سخن گفت / شاید از انتظار / یا شاید از پلیدی دستی / که در قمار... / یا موقع کشیدن خنجر در انتحار... / دیوارهای خسته کوتاه درهای باز را / از چارچوب حادثه هل دادند / آنگاه از سقف تیره و کوتاهی / یک‌مشت برگ سوخته افتادند / ساعت دلش گرفت / تا نشنود صدای اذان را / شاید هزار بار / شن در دهان زمان ریخت / ناگاه / رعد صدای چکمه زندانبان / در شب فضای دیگری انگیخت / امشب وصیت را بنویس / چون که فردا / آزاد می‌شوی! (همان: ۲۷۵)

محمدالدوره؛ نوجوان فلسطینی که در آغوش پدرش در برابر دوربین عکاسی و فیلم‌برداری خبرنگاران توسط مزدوران به شکل مظلومانه‌ای به شهادت رسید و تبدیل به نمادی از ستم‌دگی مردم فلسطین در جهان گردید، در اشعار حیدری مورد توجه قرار گرفته است.

در شعر «عکس»، حیدری با نكوهش از عکاسانی که تنها در گوشه‌ای به دنبال شکار عکس از این فاجعه بودند از بال‌وپر گشودن محمد و پدرش در برابر تصویر دوربین سخن می‌گوید:



از مرگ ما و رقص تبر عکس می‌گرفت دنیا جز این نداشت هنر، عکس می‌گرفت  
صیاد بود و عاشق شلیک یک فلاش وقت شکار شیر و شرر، عکس می‌گرفت  
دنبال مرگ کودک ما بود چون که او یک جایزه به خاطر هر عکس می‌گرفت  
دست محمد و پدر، آن دم که بال شد یادش بخیر! او چقدر عکس می‌گرفت  
کودک میان تیر، کمک خواست از جهان از آن طرف جهان به نظر! عکس می‌گرفت  
دوربین درست، یک لحظه پرتاب سنگ را از آن دو کوه شعله جگر عکس می‌گرفت  
(همان: ۱۶۵)

البته حیدری باز هم در شعر «ما هنوز هستیم» به داستان شهادت مظلومانه محمدالدوره می‌پردازد. در این شعر که در  
قلب نیمایی سروده شده است، از ترکیباتی همچون؛ زیتون خونین و زیتون زار استفاده کرده و فریاد محمد را به قابی تشبیه  
کرده است که با تار عنکبوت آذین بسته‌اند.

نارنجک‌ها صورت را پوشانده‌اند/ از گلوی شناخت/ که قاب فریادش را/ با تار عنکبوت آذین بسته‌اند/ شاید با  
کمانچه‌ای که آواز پوسیده‌اش را / سرفه می‌کند/ یا دو دانه زیتون خونین/ تو را به خاطر سپرده باشم/ شاید گلوله‌ای که ردّ  
بالت را دنبال کرده/ از آسمان برگشته باشد/ ... (همان: ۲۷۹)

## ۶-۲- الگوپذیری از اهل بیت (ع)

ارادت خاص مردم ایران در طول تاریخ به اهل بیت پیامبر (ص) همیشه زیانزد بوده و جایگاه ویژه‌ای در شعر شاعران  
پارسی‌گو در ادوار مختلف داشته است. تأثیر بزرگی که داستان ائمه (ع) و به‌ویژه واقعه کربلا در مبارزات آزادی خواهان  
جهان، به‌ویژه رزمندگان اسلام در ایران و جهان اسلام داشته است، باعث شده که مرتضی حیدری نیز در جای جای اشعار  
خود به مصائب این خاندان مطهر و همچنین رشادت‌های آنان اشاره کند:

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

کردند هزار گنجینه به هم هفتادودو دریادل و یک سینه به هم

دین سست و ضعیف شد کمی خون می خواست آغشته شدند سنگ و آینه به هم  
(حیدری آل کثیر، ۱۳۸۳: ۲۵۳)

حیدری در رباعی زیر با تلمیحی به جمله معروف حضرت زینب (س) در مسجد کوفه در برابر ابن زیاد نیز دارد و  
سخن عظیم «ما رأیتُ الا جمیلاً»، می گوید:

وقتی سر بریده دیدم در تشنه گفتید: چه دیدی و چه سان بر تو گذشت؟

زیباتر از این ندیده بودم، مردم! سر بود و به نیزه نیز، آراسته گشت  
(همان: ۲۵۲)

اشعار آئینی حیدری، محدود به واقعه کربلا نبوده است. وی برای تمام خاندان پیامبر (ص) شعر سروده است. در  
شعر زیر که با ذکر ویژگی های امام حسن مجتبی (ع) شروع می شود:

پسر حیدرم و علم، علم داده به من رهرو فاطمه! عشق، قدم داده به من  
(همان: ۲۵۲)

که در پایان این ابیات به مظلومیت آن امام همام اشاره می کند و شعر را این گونه پایان می دهد:

کفنم را هدف تیر، گرفتند اگر می دهد جوشن یا فاطمه امداد به من

حسرت گنبد و گلدسته من را نخورید عشق، در سینه هر شیعه حرم داده به من  
(همان: ۲۵۲)

## ۲-۷- اعتراض به نابسامانی ها

هر مبارزه ای نشانگر اعتراض به نابسامانی ها و امور بی سرانجامی است که حیات انسان ها را مختل می سازد. آل کثیر  
که هم در حوزه شعر و هم در حوزه ترجمه از عربی به فارسی توانمند است، بهانه اصلی در تمام اتفاقاتی که در این مناطق و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

در جهان اسلام رخ می دهد را قدس می داند؛ چه در سوریه، چه در یمن و چه در فلسطین بهانه بر سر قدس است. درواقع حیدری ریشه همه نابسامانی های منطقه را در اشغال فلسطین و قدس می داند. او توانسته با سرودن اشعار ادبی با گستره تمرکز بر روی موضوع فلسطین و مقاومت، در گستره اسامی شاعرانی که در ارتباط با موضوع فلسطین و مبارزه با رژیم صهیونیستی شعر سروده است قرار گیرد. نکته جالب توجه در این بین، تنوع مضامین و قالب هایی است که شاعر از آن برای سرودن شعرش سود برده است. استفاده از قالب های کلاسیک و جدید در اشعار شاعر به چشم می خورد اما به نظر می رسد که برتری با اشعار سروده شده در قالب کلاسیک باشد.

«پنجره»، اسم شعری است که این شاعر دردمند آن را برای فلسطین سروده است و مضامین پایداری و به ویژه اعتراض و انتقاد به نابسامانی ها را در قالب کلاسیک مطرح می کند:

جلوی من نـرـیزید طـــــــــــــــــــــرح دریا را    نه آبروی عصای بـدون موســـــــــــــــــــــی را

به غیرت این رگ خشکیده در سرای عرب    بگو یهود گرفتـــــــــــــــــــــه گلـــــــــــــــــــــوی غانا را

نجات قدس کـــــــــــــــــــــه ارزانی شماســـــــــــــــــــــت، دگر    در آسمان نکشید آفتاب صنعا را

چگونه قلب مسلمـــــــــــــــــــــان نگیرد از غم قدس    چگونه غزه نترسانـــــــــــــــــــــده است ترسا را

نداشت مژده باران، چه ابر خیره سری است    که شخم می زند که از کینه قلب صحرا را

به زخم های جهان فکـــــــــــــــــــــــــــــر می کند باران    به این که صاعقه بیـــــــــــــــــــــدار می کند ما را  
(حیدری آل کثیر: ۱۳۸۸، ۲۳)

## ۲-۸- تجلیل از شهدا و جانبازان

در هر مبارزه مسلحانه و رودررو با دشمن، غیور مردانی بی باک اند که عزیزترین دارایی خود که جان عزیزشان است را در طبق اخلاص می گذارند و در صف اول مبارزه قرار می گیرند. در این میان، تعدادی از افراد جانشان را از دست می دهند وعده ای مجروح و با نقص عضو، مبارزه را به پایان می برند. در دین اسلام شهید و شهادت مقام خاص خود را دارد. این

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

جان برکفان به عنوان شاهدهی بر اعمال دیگران نزد خداوند هستند. در این دنیا هم بزرگداشت شهدا و تجلیل از آنان در شعر شاعران ، به عنوان یک الگو برای مبارزه با دشمن جایگاه خاصی دارد.

در شعر زیر ، حیدری شهیدی را به تصویر می کشد که به از آسمان ها به مزار گمنام خود در این دنیا نظر می کند. در احوال مادر، همسر و دخترش را که داغ دوری او را تحمل می کنند می نگرد:

صبح، انداخت به سر شِشعۀ روسری اش را    لاله بخشید، به باران تشعشع، تری اش را

مرد بود و افقی خیره به تصنیف دو بالش    که بینند ملائک تم بازیگری اش را

ناگهان پیرهن شعله به تن کرد و به هم زد    آسمان را و صف ممتد حور و پری اش را

اینک از آن سفر سرخ به خاک آمده شاید    به کسی شرح دهد قصۀ ناباوری اش را

به زنی آنسوی آوازه گمنام مزاری    که ادا کرده به تصویری از او همسری اش را

به همان مادر بیدار که با دست نحیفی    شأنۀ غم زده گیسوی بلند و زری اش را

دخترش هم به امیدی که پدر باز آید    آب می داد در آینه گل روسری اش را

مرد، پلکی زد و برگشت، به آغاز رهایی    رفت و انداخت، به مادر نظر آخری اش را

(حیدری آل کئی، ۱۳۸۳: ۱۷۹)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

جانبازان جنگ تحمیلی با جراحت‌ها و آسیب‌هایی که از جنگ دیده‌اند، یادگاران رشادت و جان‌برکفی هستند که در اشعار آل‌کثیر از جایگاه خاصی برخوردارند. حیدری در دو سروده به نام «غزل شیمیایی (۱)» و «(۲)» از حال و شرایط بد جانبازان شیمیایی سخن می‌گوید:

می‌رسد به مردمان شهرم اشتیاق بی‌خبر / درد می‌کشند، روزنامه‌های داغ بی‌خبر

پلک می‌زنی! تمام سروها مقابل تواند / در میان جمع بیده‌های خواب بی‌خبر

با کلید سرفه، باز می‌کنی جهان بسته را / مست خردل است، در تنفس جناغ بی‌خبر

باخبر شدم که مرگ را به اتاق خوانده‌ای / باخبر شدم شبی سراسیمه بی‌خبر

صبر کن! به یا علی سرودن تو خو گرفته‌ام / بین ما چراغ بود و خون، نه این فراغ بی‌خبر

(همان: ۱۶۷)

و در غزل دوم:

با نقاب خنده می‌روی به جشن دیده‌ها / می‌روی به جشنواره دهن‌دریده‌ها

با دوپای سوخته، دو رد پای مست و گیج / می‌رسی به باغ‌ها، به رقص سربریده‌ها

سرفه‌های تو، قصیده بلند کوچه‌هاست / شب می‌افتد از نفس به روی دامن قصیده‌ها

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

دست پیـرہا، علامت سؤال می‌دهی نی‌لبک... به کودکان، به خنده ناشنیده‌ها

با پتوی برگ‌های خسته! می‌بری به خواب آب را کنار خاک و پای گل نچیده‌ها

بس که شاعری میان جان رو به روی یخ می‌وزی در انجماد روشن پدیده‌ها

روی شانه زخم‌های تازه می‌بری، تو را خواب‌دیده‌ام، در صف خزان چشیده‌ها

(همان: ۱۶۹)

## ۳- نتیجه‌گیری

روحیه آزادی و آزادی‌خواهی یکی از مفاهیمی است که هر انسانی برای آن احترام قائل است و تا اوج فداکاری از حریم آن پاسداری می‌کند و هرگاه قدرتی در پی آن باشد که این موهبت الهی را از او بازستاند، در برابر او ایستادگی نموده، آن را به قیمت جان پاس خواهد داشت.

مرتضی حیدری آل کثیر جوان انقلابی و برآمده از سرزمینی است که طعم تلخ جنگ تحمیلی را بیشتر از دیگر نقاط کشور چشیده بود. حیدری وقتی به سن جوانی رسید هنوز خراب‌های جنگ در خوزستان پابرجا بود. داستان ایثار و مقاومت مردم این استان و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس ورد زبان‌ها بود. او نیز مانند شاعران بزرگی همچون قیصر امین پور و سید حسن حسینی جذب ادبیات جنگ و پایداری شد. حیدری در یک خانواده عرب به دنیا آمده بود و زبان عربی صحبت می‌کرد. این امر باعث شد با شعر شاعران عرب در حوزه مقاومت در عراق، سوریه و فلسطین آشنا شود. تحت تأثیر اشعار آنان که پیشگامان ادبیات مقاومت در مقابله با رژیم صهیونیستی بودند، به مسئله فلسطین علاقه‌مند شد و در کنار موضوعات داخلی از مسئله فلسطین و قدس غافل نشد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

مرتضی حیدری آل کثیر از شاعران واقع گرا، متعهد به هویت و اصالت تاریخی مردم و سرزمین خود است و حفظ ارزش و کرامت انسانی و رعایت حقوق سیاسی و اجتماعی افراد، دغدغه اصلی وی است، طوری که اشعارش به مانند سرودهای ملی، سرشار از شور، شوق، عزت، غرور و سربلندی است. نبود آزادی، خفه کردن فریادها و اعتراض ها در گلو، امید به آینده روشن، دعوت به مبارزه، وطن دوستی و ستایش وطن و نیز یاد آزادی خواهان و فراخوانی به اتحاد و یکپارچگی از بن مایه های سروده های وی است، او از دست اشغالگران غیروطنی به ستوه آمده است. بیان این اندیشه ها در شعر حیدری اغلب به صورت صریح و روشن است و نماد در آن اندک است.

## منابع

- ۱- حیدری آل کثیر، مرتضی. (۱۳۸۶). **سرفه خونین تفنگی در باد**. تهران: بنیاد حفظ و نشر آثار مقدس.
- ۲- \_\_\_\_\_. (۱۳۸۸). **دیر آمدی بهار**. تهران: انتشارات تکا.
- ۳- \_\_\_\_\_. (۱۳۹۵). **اشاره**. تهران: تخصصی شهر.
- ۴- سلیمی، علی و چغازردی، اکرم. (۱۳۸۸). «**نمادهای پایداری در شعر معاصر مصر مطالعه مورد پژوهانه: امل دنقل**». نشریه ادبیات پایداری. شماره ۱. صص ۷۱-۸۸.
- ۵- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). **ادبیات دفاع مقدس**. چ اول. تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۶- شکری، غالی. (۱۳۸۵). **ادب مقاومت**. ترجمه محمدحسین روحانی. چ اول. تهران: نشر نو.
- ۷- شوالیه، ژان و آلن گرابران. (۱۳۸۸). **فرهنگ نمادها**. ترجمه سودابه فضایی. چ دوم. تهران: نشر جیحون.
- ۸- مصطفوی نیا، سید محمود رضی و دیگران. (۱۳۹۰ ق). «**مقاومت در شعر توفیق امین زیاد**». نشریه ادبیات پایداری کرمان. سال دوم. شماره سوم و چهارم. صص ۵۸۸-۵۶۵.